

آگاهی و نگرش دانشجویان دندان پزشکی اصفهان درباره پژوهش

مریم غفورنیا، شیرین معتمدی، احسان یوسفیان

چکیده

مقدمه: برای برنامه ریزی در جهت افزایش نقش دانشجویان در تولید علم، باید بدانیم که آنها چه میزان درباره متدلوژی روش تحقیق می‌انند و چه نگرشی نسبت به آن دارند. هدف این مطالعه تعیین آگاهی و نگرش دانشجویان دندان پزشکی اصفهان درباره پژوهش می‌باشد.

مواد و روش‌ها: تمام دانشجویان دندان پزشکی اصفهان (ورودی‌های 77 تا 82) در این مطالعه توصیفی-تحلیلی مقطعی شرکت کردند ($n=300$). ابزار جمع‌آوری اطلاعات، یک پرسشنامه روا و پایایی خود ایفا شامل سه بخش اطلاعات دموگرافیک، آگاهی‌سنج و نگرش‌سنج بود.

اطلاعات به دست آمده با استفاده از نرم‌افزار SPSS-11 و آزمون ضریب همبستگی مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج: میانگین نمره آگاهی دانشجویان $2/09 \pm 1/92$ از مبنای 10 بود که همراه با افزایش سطح آموزشی، افزایش پیدا می‌کرد، 94 درصد دانشجویان با ضرورت شرکت در فعالیت‌های پژوهشی در طی دوران تحصیل کاملاً موافق بودند، 23/5 درصد با افزایش کیفیت خدمات به بیماران، 25/4 درصد با افزایش کیفیت مهارت‌های مطالعه، 46/3 درصد با حمایت دانشکده از فعالیت‌های پژوهشی کاملاً موافق بودند و تنها 11/07 درصد دانشجویان تصور می‌کردند که شرکت در فعالیتهای پژوهشی وقت تلف‌کردن است.

نتیجه‌گیری: بر پایه نتایج مطالعه حاضر، دانش دانشجویان نسبت به پژوهش، علی‌رغم حضور گسترده آنها در کارگاه‌های روش تحقیق (40/5 درصد) کم است. همچنین به علت علاقه آنها و نگرش مثبتشان نسبت به فعالیتهای پژوهشی، مسئولین دانشکده برای بهبود دانش و توانایی آنها به صورت منظم‌تری برنامه‌ریزی کنند.

کلیدواژه‌ها: آگاهی، نگرش، پژوهش، دانشجوی دندان پزشکی.

دکتر مریم غفورنیا

(اینترن)، کمیته

پژوهش‌های دانشجویان،

دانشکده دندان پزشکی،

دانشگاه علوم پزشکی

اصفهان، خیابان

هزارجریب، اصفهان.

maryam16802000@yahoo.com

دکتر شیرین معتمدی و دکتر

احسان یوسفیان،

دندان‌پزشک.

این طرح با شماره 82212

در دفتر هماهنگی طرح‌های

پژوهشی معاونت پژوهشی

دانشگاه علوم پزشکی

اصفهان ثبت شده و

هزینه‌های آن از طرف این

معاونت پرداخت گردیده

است.

این مقاله در تاریخ

84/9/20 به دفتر مجله

رسیده، در تاریخ

84/12/16 اصلاح شده و در

تاریخ 84/12/22 تأیید

گردیده است.

مجله دانشکده دندان پزشکی

اصفهان

1384؛ 1 (3 و 4): 31-34

مقدمه

بالینی، آنچنان که باید، مورد توجه قرار نگرفته است. رویکرد روزافزون جامعه پزشکی جهانی به امر پژوهش و افزایش انفجار آمیز مقالات و مجلات پژوهشی از یکسو و عدم توجه به اهمیت پژوهش در

در جهان امروز، یکی از معیارهای پیشرفت در کشورهای مختلف، جایگاه تحقیقات در آن جوامع است. در ایران، نقش محوری تحقیق در علوم پزشکی و بخصوص

داخل کشور، کشور ما را در نوعی انزوا و عقب ماندگی تحقیقاتی فرو برده است [1].

آنان که در دهه های اخیر ناظر بر تحولات دانشگاه های ما بوده اند، بر این واقعیت تلخ و آزار دهنده اتفاق نظر دارند که پژوهش، حتی در بهترین شرایط، به عن وان يك كار ارزشمند ولي فوق برنامه و غير ضروري شناخته شده و در آخرين رديف هاي اولويت قرار گرفته است [2]. زیرا دانشگاه مفهوم واقعی خود را در جامعه از دست داده و صرفاً به مرکز آموزش عالی و بعضاً آموزشی-درمانی مبدل گردیده است. این در حالی است که رسالت اصلی دانش گاه، ترکیبی از پژوهش و آموزش می باشد [3].

محدودیت های بسیار موجود در فرآیند پژوهش که تقریباً بطور انحصاری وابسته به دانشگاه ها و مراکز تحقیقاتی آنهاست، بودجه های محدود پژوهشی، تمایل خاص پژوهشگران دانشگاهی برای پرداختن به مطالعات بالینی صرف، منظور نمودن پژوهش های بهداشتی و مرتبط با نظام ارائه خدمات روزمره، امور غیر اساسی و جانی که فقط جنبه صوری داشته و از اصول علمی تحقیق بیرون نمی روند، همگی موجب ضعف در تحقیقات نظام بهداشتی و ناکارآمدی همین تعداد محدود پژوهش انجام شده در این زمینه گشته اند [4].

در آمریکا نیز، کاهش مستند تعداد پزشکان محقق در دهه 1980 نگرانی وسیعی برانگیخت، زیرا در این صورت، نه تنها کیفیت تحقیقات آینده کاهش می یافت، بلکه کیفیت آموزش بالینی که دانشجویان پزشکی در آینده دریافت می کردند نیز دچار افت می شد. به علاوه، شرکت مستقیم دانشجویان پزشکی در تحقیقات به عنوان بخشی ارزشمند از آموزش پزشکی به شمار می رود. برای حل

این مشکل پیشنهاد شد فرصت های تحقیقاتی بیشتری برای دانشجویان فراهم شود [5].

پیشرفت در هر زمینه ای به توسعه علمی نیاز دارد و توسعه علمی نیز به برنامه ریزی دقیق در زمینه های مختلف علوم، نخستین گام برای برنامه ریزی هم شناخت وضع موجود است. مطالعات اخیر در مورد دیدگاه به پژوهش های علمی در نظام دانشگاهی ما نشان می دهد که حضوری کوتاه (6 ماهه) در محیط دانشگاه کافی است تا به تفاوت تصورات دانشجویان جدیدالورود با واقعیات موجود در این نظام پی برده شود. کاهش تمایل دانشجویان به حضور در فعالیت های پژوهشی و تفاوتی که در تصور دانشجویان در مورد انجام پژوهش توسط هیأت علمی به وجود می آید، از این دست می باشد. برای برنامه ریزی ارتقای نقش دانشجویان در تولید علم، باید از میزان اطلاع این جامعه از اصول پژوهش باخبر بود، بدانیم نظام فعلی آموزشی و سایر شرایط دانشگاه چه نگرشی نسبت به پژوهش به آنها داده است؟

بررسی وضعیت تحقیق در دانشگاه ها به شناخت وضع موجود کمک می کند و از طرف دیگر، سرعت روند تحقیق و توسعه و نیز فاصله موجود میان وضع فعلی و مطلوب را روشن می سازد [7]. هدف از این مطالعه، بررسی میانگین نمره آگاهی و نگرش دانشجویان نسبت به پژوهش بود.

مواد و روشها

در این مطالعه توصیفی-تحلیلی از نوع مقطعی، جامعه هدف، دانشجویان دندان پزشکی اصفهان شامل ورودی سالهای 1377 تا 82 بودند (n=300). دانشجویان تکمیلی و بهداشتکاران دهان و دندان از مطالعه خارج شدند. این دانشجویان به 4 دوره

روش قضاوتی و با نظر چند تن از صاحب‌نظران از لحاظ صوری و محتوا مورد تأیید قرار گرفت. داده‌ها در نرم‌افزار آماری SPSS وارد شد و یافته‌های پژوهش به صورت شاخص‌های میانگین و انحراف معیار برای داده‌های کمی و فروانی نسبی برای داده‌های کیفی گزارش گردید. ضریب همبستگی اتا، برای بررسی ارتباط بین متغیر مورد استفاده قرار گرفت.

نتایج

از بین 300 پرسشنامه توزیع شده، تعداد 243 عدد تکمیل و عودت شد. (میزان پاسخگویی 81 درصد) که از بین پاسخ‌دهندگان 50/6 درصد مؤنث و 49/4 درصد مذکر بودند. میانگین نمره آگاهی $2/09 \pm 1/92$ بود که از مبنای 10 محاسبه گردید. (حداقل صفر و حداکثر 8 با میانه 2). میانگین نمره آگاهی در دانشجویان دختر $2/29 \pm 2/18$ و در دانشجویان پسر $2/08 \pm 1/62$ بود و ارتباط معنی داری بین میانگین نمره آگاهی و جنس وجود نداشت.

یازده و نه دهم درصد پاسخ‌دهندگان در مقطع تحصیلی علوم پایه، 26/8 درصد در مقطع پره‌کلینیک، 28/1 درصد در مقطع کلینیک مشغول به تحصیل بوده و 9/8 درصد نیز دانش‌آموخته شده بودند.

میانگین نمرات آگاهی با ارتقای مقطع تحصیلی، افزایش یافته بطوری که در مقطع علوم پایه معادل $1/72 \pm 1/80$ ، در مقطع پره‌کلینیک $1/84 \pm 1/75$ ، در مقطع کلینیک $2/5 \pm 2/06$ و در مقطع دانش‌آموختگی معادل $2/57 \pm 1/67$ بود. بین مقطع تحصیلی و میزان آگاهی همبستگی مثبت وجود داشت (ضریب همبستگی اتا برابر 0/185).

میانگین نمرات آگاهی با افزایش معدل کل نیز افزایش یافته بطوری که در معدل 16 به بالا،

علوم پایه، پره‌کلینیک، کلینیک و دانش‌آموخته تفکیک شدند. نمونه‌گیری به صورت سرشماری انجام گرفت. به این صورت که با مراجعه به اداره آموزش دانشکده، لیست اسامی دانشجویان هر ترم تحصیلی استخراج گردید. پرسشگران طرح، برای جمع‌آوری داده‌ها، به مدت شش روز، اقدام به توزیع و جمع‌آوری پرسشنامه‌ها در پایان زمان امتحانات پایان ترم (تیرماه 83) بین دانشجویان هر ورودی در حداکثر زمان 20 دقیقه نمودند. سپس پرسشنامه‌های تکمیل شده مورد تحلیل آماری قرار گرفت.

پرسشنامه‌های حاوی 20 سؤال در حیطه آگاهی، 10 سؤال در حیطه نگرش و 11 سؤال دموگرافیک بود. سؤالات حیطه آگاهی با توجه به اهمیت مباحث مربوطه و نظر چند تن از صاحب‌نظران به بخش‌های زیر تقسیم شدند. مرجع‌نویسی (1 سؤال)، انواع پژوهش (1 سؤال)، منابع کسب اطلاعات (2 سؤال)، انواع مطالعات اپیدمیولوژیک (2 سؤال)، اهداف و فرضیات و سؤالات (2 سؤال)، انواع متغیرها (2 سؤال)، نمونه‌گیری (1 سؤال)، حجم نمونه (1 سؤال)، روش‌های جمع‌آوری داده‌ها (1 سؤال)، خطاهای سنجش (1 سؤال)، نگارش مقاله (1 سؤال).

به منظور افزایش میزان پاسخ‌گویی مخاطبان و با هدف کم کردن تعداد سؤالات برای هر فرد، 20 سؤال حیطه آگاهی مورد نظر بصورت یک در میان در دو پرسشنامه مجزا تهیه شد.

پرسشنامه نگرش‌سنج شامل 10 سؤال با مقیاس پنج‌تایی لیکرت (قویاً موافق تا قویاً مخالف) بود. برای به دست آوردن پایایی و رفع اشکالات نهایی، مطالعه‌ای مقدماتی در تعدادی معادل 10 درصد جامعه و به صورت تصادفی اجرا شد. درجه سختی دو پرسشنامه آگاهی‌سنج کاملاً مشابه بود و پایایی سؤالات آگاهی توسط ضریب پایایی Kuder Richardson 20 معادل 0/6 بود. پایایی سؤالات نگرش‌سنج با ضریب α کرونباخ معادل 0/72 تعیین شد. روایی پرسشنامه به

برای انجام فعالیت‌های پژوهشی و تنها 11/07 درصد شرکت در فعالیت‌های پژوهشی را اتلاف وقت می‌دانستند. جالب است که در این میان، 13/7 درصد تنها شرکت‌کننده و 44 درصد به عنوان سخنران بودند، 31 درصد ارائه‌کننده پوستر و تنها 11/3 درصد تا به حال در سمینارها شرکت کرده بودند.

ارتباط معنیداری بین میانگین نمره آگاهی و شرکت در همایش‌ها وجود داشت ($P < 0/05$).

بیست و چهار دهم درصد از پاسخ‌دهندگان در حداقل یک طرح پژوهشی مشارکت داشته، 26/4 درصد پروپوزال و 11/4 درصد نیز مقاله علمی پژوهشی نوشته و 40/5 درصد نیز در کارگاه‌های روش تحقیق شرکت داشته‌اند که ارتباط معنیداری بین میانگین نمره آگاهی و نگارش مقاله و یا پروپوزال وجود نداشت. نمرات آگاهی در افرادی که حداقل در یک طرح پژوهشی مشارکت داشته‌اند و یا در کارگاه‌های روش تحقیق شرکت کرده بودند، بالاتر بود ($P < 0/05$).

بحث

نتایج پرسشنامه‌های آگاهی نشان می‌دهد میانگین نمرات آگاهی دانشجویان دندان پزشکی بسیار پایین است (معادل 20 درصد کل یا 2/09 از 10). آمار مربوط به دانشگاه‌های کشورهای دیگر نظیر آمریکا، ارقامی بسیار بالاتر را نشان می‌دهد (62 درصد از کل) [8].

متأسفانه درصد پاسخ‌های صحیح در حیطه‌های اساسی و پایه، نظیر نمونه‌گیری، آمار توصیفی و آمار تحلیلی بسیار پایین‌تر از حد انتظار بود. در مطالعه‌ای مشابه بین کارورزان پزشکی در سال 1377 نیز، بیشترین ضعف در آمار تحلیلی بوده است [6].

میانگین معادل $2/46 \pm 2/35$ ، در معدل 14 تا 16 معادل $2/09 \pm 1/53$ ، در معدل 12 تا 14 برابر $1/81 \pm 1/18$ و در معدل زیر 12 معادل $1/12 \pm 0/072$ بود. بین معدل کل و میزان آگاهی همبستگی مثبت وجود داشت. (ضریب همبستگی اتا برابر 0/141).

بیشترین درصد پاسخ‌های صحیح به ترتیب مربوط به سؤالات انواع متغیرها 35 درصد، منابع کسب اطلاعات 31 درصد، انواع مطالعات اپیدمیولوژیک 24/7 درصد، اهداف و فرضیات 23/8 درصد و کمترین درصد پاسخ‌های صحیح مربوط به سؤالات آمار تحلیلی 14 درصد، شیوه مرجع نویسی 17/2 درصد و روش نمونه‌گیری 19/4 درصد بود.

سی و هشت و هفت دهم درصد پاسخ‌دهندگان با آمیخته بودن آموزش و پژوهش در دانشگاه کاملاً موافق بودند، 30 درصد دانشجویان آشنایی با روش تحقیق را برای دانشجوی دندان پزشکی ضروری می‌دانستند و 48 درصد با ضرورت آشنایی با سیستم‌های اطلاع‌رسانی (اینترنت و مدلاین) برای دانشجوی دندان پزشکی کاملاً موافق بودند.

هشتاد و پنج هشت دهم درصد پاسخ‌دهندگان، آشنایی با شیوه نگارش متون علمی برای دانشجوی دندان پزشکی را ضروری دانسته و 94 درصد با ضرورت شرکت در فعالیت‌های پژوهشی در طی دوران تحصیل کاملاً موافق بودند.

بیست و سه و پنج دهم درصد با اثر پژوهش بر بالا بردن کیفیت ارائه خدمات و 25/4 درصد با اثر آن بر بالا بردن کیفیت درس خواندن دانشجویان موافق بودند، 46/3 درصد حمایت دانشکده از دانشجویان را در انجام طرح‌های پژوهشی ضروری دانسته و 23/7 درصد سنگینی برنامه‌های آموزشی را علتی برای عدم وجود فرصت کافی

با توجه به نمرات آگاهی دانشجویان و ارتقای نمرات آگاهی آنها با افزایش مق طع تحصیلی و معدل، می‌توان به تأثیر حضور در محیط دانشگاه و فعالیت علمی در دانشگاه در آگاهی پژوهشی دانشجویان پی برد. اما با این وجود، این نمرات در کل چندان قابل قبول نیست و به نظر می‌رسد ساختار آموزشی در بهره‌گیری از توان بالقوه دانشجویان در مسیر تولید علم ناتوان است. مطالعه حاضر بیانگر آن است که اگر چه اکثریت پاسخ دهندگان بر ضرورت شرکت در فعالیت های پژوهشی در طی دوران تحصیل موافق بودند، ولی تنها 20/4 درصد ایشان در حداقل یک طرح پژوهشی مشارکت داشته‌اند. که این آمار در مورد کارورزان پزشکی 12 درصد [6] و در موردی کی از دانشکده‌های اروپا حدود 26 درصد برآورد شده است [9].

همچنین اکثریت دانشجویان آشنایی با شیوه نگارش متون علمی (مقاله، گزارش) را ضروری دانسته ولی تنها 11/4 درصد آنها مقاله علمی پژوهشی داشته‌اند که این نتایج می‌تواند نشانگر ضعف های نظام آموزش عالی در فراهم سازی امکانات و لوازم اولیه پژوهش (منابع اطلاع رسانی)، برای دسترسی آسان دانشجویان به آن، و عدم برنامه‌ریزی برای بالفعل سازی توان دانشجویان در حیطه امور پژوهشی باشد.

در این مطالعه، 40/5 درصد پاسخ دهندگان در کارگاه های روش تحقیق شرکت کرده و نمرات آگاهی افراد شرکت‌کننده در کارگاه ها هم بالاتر از سایرین بود که نشاندهنده توجه به کمیت و کیفیت کارگاه های برگزار شده و دوره‌های آموزش مفاهیم و متدولوژی روش تحقیق توسط کمیته پژوهش‌های دانشجویان دندان پزشکی

و تلاش در جهت ارتقای کیفیت برگزاری این کارگاه‌ها می‌باشد. علی‌رغم عملکرد موفق کارگاه‌های روش تحقیق برگزار شده تا به امروز، کمتر از نیمی از دانشجویان در این کارگاه ها شرکت کرده‌اند. این امر ایجاب می‌کند که نظام آموزشی و مراکز پژوهشی، هماهنگ با یکدیگر عمل کرده و برنامه‌ریزی‌هایی بیشتر برای ایجاد انگیزه در دانشجویان برای شرکت در کارگاه ها و استفاده از مطالب تدریس شده در این کارگاه‌ها نمایند.

جای بسی خرسندی است که نگرش کلی دانشجویان نسبت به پژوهش و روش تحقیق مثبت بود و تنها 15/1 درصد دانشجویان شرکت در فعالیت‌های پژوهشی را اتلاف وقت می‌دانستند که این امر ایجاب می‌کند این نگرش مثبت با برنامه‌ریزی صحیح آموزشی حفظ شده و در جهت صحیح بکار گرفته شود.

نتیجه‌گیری

دانشجویان دندان پزشکی گرایش به انجام پژوهش دارند ولی عملاً در این زمینه ناکارآمد بودند. به نظر می‌رسد تغییر برنامه‌های نظام آموزشی در جهت برآوردن نیازهای دانشجویان، حذف مطالبات غیر واقعی از دانشجویان، ارزش‌گذاری‌های علمی برای فعالیت های دانشجویان و ایجاد تحرک در محیط علمی دانشگاه، از جمله عوامل مؤثر در بهبود وضعیت موجود باشد.

قدردانی

از زحمات و راهنمایی‌های آقایان شایان، کارشناس پژوهشی و توانگر، کارشناس پژوهش دانشکده دندان پزشکی و همچنان همکاری مسؤولین آموزش دانشکده دندان پزشکی در اجرا این مطالعه تشکر می‌نمایم.

منابع

1. شورای نویسندگان کمیته پژوهشی دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی ایران. اصول پایه روش تحقیق در علوم پزشکی. چاپ اول. تهران: نور دانش. 1381.
2. معاونت پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی تهران. بولتن پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی. تهران. 1375.
3. امینپور م، قاسمی م. ارزیابی طرح‌های تحقیقاتی و پایان‌نامه‌های دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی. مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی-درمانی شهید صدوقی یزد 1379؛ 8(2): 89.
4. آصفزاده س. ده گام پژوهش در سیستم‌های بهداشتی-درمانی. تهران: معاونت تحقیقات و فناوری وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی 1380؛ 3 تا 4.
5. Bickel J, Morgan TE. Research opportunities for medical student: an approach to the physician-investigator shortage. J Med Educ 1980; 55(7): 567-73.
6. بقایی عم، ادیبی پ، ثابت ب، انصاری ر. نتیجه یک سال حضور در دانشگاه. پژوهش در علوم پزشکی 1377؛ 3(پیوست 1): 23 تا 27.
7. مکنون ر. عملکرد و فعالیت‌های شورا در سال 74. رهیافت 1375؛ 14: 18.
8. Harrison L, Lowery B, Bailey P. Changes in nursing student's knowledge about and attitudes toward research following an undergraduate research course. J Adv Nurs 1991; 16(7): 807-12.

Isfahan Dental Student's Knowledge and Attituale about Research

Ghafournia M, Motamedi Sh, Yousefian E.

Abstract

Introduction: *Scientific development is essential for each type of development. The first step for planning is to know present situation. For planning to improve student role in research, we must know how much do they know about research methodology and what kind of attitude they have about it. The aim of this study was to determine Isfahan dental students' knowledge and attitude about research.*

Methods and Materials: *All Isfahan dental school students (cals of 1999-2003) participated in this cross-sectional descriptive-qualitative study (n=300). Data was collected by self-administered questionnaire consisting of three parts: knowledge, attitude and demographic questions. The content validity of question-naire was confirmed by experts and its reliability by split half method. The face validity was also checked. The data were analyzed by SPSS-11 soft ware using frequency distribution and mean and correlation coefficient list.*

Result: *The mean mark of students' knowledge was 2.09 ± 1.92 out of 10. Which would be increased with inereasing level of training and education. Ninety four percent of students would absolutely agree with necessity of participation in research activity durin g heir study period, 23.5 percent by increasing quality of services to the patient, 25.4 percent by increasing quality of study skills, 46.3 percent were in agreement with university support for research activity and only 15.1 percent of students believed that participating in research activity is wast of time.*

Conclusion: *According to the results of this study, student's research knowledge is very low in spite of their attendance in research methodology workshops (40.5 percent). Because of their desire and positive attitude toward research activity, faculty officials should plan in more diciplined way, to improve the students' skills and knowledge.*

Key words: Knowledge, Attitude, Research, Dental student.

Address: Dr. Maryam Ghafournia (Intern), Research Committee of Students, School of Dentistry, Isfahan University of Medical Sciences, Isfaahn, IRAN. E-mail: maryam16802000@yahoo.com

Journal of Isfahan Dental School 2005; 1(3&4): 31-34.